

بررسی مشروعیت جبران خسارت معنوی از منظر فقه امامیه و حقوق ایران

خدیجه گنجخانلو^۱ علی اشرف سبحانی^۲

۱ گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران

۲ استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، زنجان، ایران

چکیده. خسارت‌های معنوی به دلایل پیچیدگی‌های ماهوی و عدم قابلیت سنجش دقیق، یکی از چالش‌های اساسی در سیستم‌های حقوقی هستند. در حقوق ایران، جبران خسارت معنوی می‌تواند از طرق مختلفی همچون عذرخواهی، پرداخت غرامت مالی یا اقدامات نمادین صورت گیرد. در این راستا، روش‌های گوناگونی برای ارزیابی خسارت معنوی مطرح شده‌اند که شامل معادل‌سازی مالی، استفاده از تعرفه‌های قانونی و ارزیابی‌های قضائی با توجه به شرایط خاص هر پرونده می‌شود. در بسیاری از کشورها، مانند فرانسه، روش‌هایی مشابه با سیستم‌های حقوقی ایران برای جبران این نوع خسارت‌ها وجود دارد، با این تفاوت که در برخی موارد، سیستم‌های غربی از جبران‌های غیرمالی و حتی جریمه‌های کیفری برای اعمال عدالت استفاده می‌کنند. در حقوق اسلامی نیز، خسارت معنوی به‌ویژه در موارد لطمه به حیثیت و اعتبار فرد از طریق تعزیرات مالی و اقدامات جبرانی همچون دیه یا ارش قابل جبران است. این مقاله به بررسی روش‌های مختلف جبران خسارت معنوی در حقوق ایران و مقایسه آن با سیستم‌های حقوقی دیگر می‌پردازد.

واژگان کلیدی: خسارت معنوی، جبران خسارت، حقوق ایران، دیه، حقوق بین‌الملل، ارزیابی خسارت.

Examining the Legitimacy of Compensating for Moral Damages from the Perspective of Imāmī Jurisprudence and Iranian Law

Khadijeh Ganjkanloo¹, Ali Ashraf Subhānī²

¹Department of Private Law, Islamic Azad University, Zanjan Branch, Zanjan, Iran

²Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Abhar Branch, Zanjan, Iran

Abstract

Moral damages, due to their inherent complexities and the difficulty in accurately measuring them, represent a fundamental challenge in legal systems. In Iranian law, compensation for moral damages can be achieved through various means, such as apologies, monetary compensation, or symbolic actions. Various methods for evaluating moral damages have been proposed, including financial equivalence, the use of legal tariffs, and judicial assessments based on the specific circumstances of each case. Many countries, such as France, have adopted similar methods to those in Iran's legal system for compensating such damages. However, in some instances, Western legal systems also use non-monetary compensation or even criminal penalties to ensure justice. In Islamic law, moral damages, especially those affecting an individual's reputation and dignity, can be compensated through financial penalties (*ta'zīrāt*) and restorative actions such as *diya* (blood money) or *arsh*. This article examines the various methods of compensating for moral damages in Iranian law and compares them with the legal systems of other countries.

Keywords :moral damages, compensation, Iranian law ,*diya* ,international law, damage assessment.

خسارت معنوی، مصادیق، امکان مطالبه و نحوه جبران آن از موضوعات پیچیده در علم حقوق محسوب می‌شود. فقها در تعاریفی که از مفهوم کلی «ضرر» ارائه داده‌اند، برخی اقسام ضررهای معنوی را نیز ذکر کرده‌اند. به باور بیشتر آنان، هر نوع نقص در آبرو، جان یا هر بُعدی از ابعاد وجودی شخصیت انسان، ضرر به شمار می‌رود و می‌تواند مبنای بحث جبران خسارت قرار گیرد.

در گذشته بسیاری از کشورها جبران خسارت معنوی را غیرقابل پذیرش می‌دانستند و به همین علت دادگاه‌ها از صدور حکم در این زمینه خودداری می‌کردند. کشورهایی با نظام حقوقی سوسیالیستی مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق، چین و دانمارک در زمره این کشورها بوده‌اند. این دیدگاه سنتی رفته‌رفته مورد انتقاد قرار گرفت، زیرا واقعیت‌های زندگی اجتماعی جدید نشان می‌داد که زیان تنها به بعد مادی محدود نمی‌شود.

با پیچیده‌تر شدن شرایط زندگی امروز، لطمه‌های روحی و روانی و آسیب‌های غیرمادی اهمیت چشمگیری یافته است. انسان در معرض ضربات معنوی قرار دارد؛ ضرباتی که ممکن است آشکار نباشند، اما از درون فرد را آزار دهند. به همین دلیل، برتری دادن جبران خسارت‌های مادی بر خسارت‌های معنوی محل تردید واقع شده و مباحث جدی را میان حقوقدانان برانگیخته است. از این رو، پرسش اصلی این است که آیا آسیب‌هایی مانند لطمه به حیثیت و اعتبار شخص قابل جبران‌اند و چگونه می‌توان آنها را با پرداخت پول یا سایر روش‌ها جبران کرد.

در فقه اسلامی، با استناد به قواعد معتبر، امکان جبران خسارت معنوی پذیرفته شده است. قاعده «لاضرر» که از اصول مسلم فقهی به شمار می‌آید و منشأ بسیاری از احکام عبادی و معاملاتی است، برای اثبات مسئولیت مدنی ناشی از خسارت معنوی و راهکارهای جبران آن مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین در آیات و روایات به مصادیق گوناگون ضررهای معنوی اشاره شده و دیه در موارد صدمات جسمانی که منجر به خسارت معنوی می‌شوند، دلیل دیگری بر قابلیت تقویم و جبران مادی این نوع خسارات دانسته می‌شود.

علاوه بر این، عقلاً نیز حکم به جبران خسارت معنوی می‌دهند؛ چراکه عدم پرداخت این نوع خسارات، نوعی ظلم محسوب می‌شود و ظلم از نظر عقل و شرع امری قبیح است. اگرچه در فقه اسلامی روش‌های مشخص و شناخته‌شده‌ای برای جبران خسارت معنوی پیش‌بینی نشده، اما راهکارهای متداول در حقوق عرفی و موضوعه، اعم از مالی و غیرمالی، قابل پذیرش هستند. سکوت و عدم منع شارع در این زمینه نیز می‌تواند نشانه‌ای از رضایت و تأیید شرعی باشد.

بیشتر حقوقدانان معاصر قائل به جواز جبران خسارت معنوی‌اند و در نظام‌های حقوقی مختلف، راهکارهای متفاوتی برای این منظور ارائه شده است. در ایران نیز، بر اساس ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۱، ۲ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی، امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی پذیرفته شده است. همچنین اصل ۱۷۱ قانون اساسی مبنای دیگری

برای این جواز فراهم کرده است. از این رو، بررسی ماهیت و مصادیق خسارت معنوی، ضرورت جبران آن در فقه و حقوق و نیز شیوه‌های جبران، از مباحث مهم حقوقی به شمار می‌رود که باید متناسب با وضعیت زیان‌دیده مورد توجه قرار گیرد.

ماهیت خسارت معنوی

حقوق و سرمایه‌های معنوی همواره مورد توجه بشر بوده و همچون سرمایه‌های مادی در معرض ورود خسارت قرار دارند. در اندیشه دینی اسلام، هتک حرمت انسان—خواه از سوی خود او و خواه از سوی دیگری—هم‌سنگ هتک حرمت الهی تلقی می‌شود، تا آنجا که حرمت انسان برتر از حرمت بیت‌الله الحرام دانسته شده است؛ از این رو شناسایی کرامت انسان اقتضا می‌کند حقوق و منافع معنوی او مورد حمایت قرار گیرد (مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره یازدهم، ۱۳۹۲/۱۰۸).

در تعالیم اخلاقی اسلام، مفاهیمی چون غیبت، تهمت و استهزا نشانگر اهتمام به صیانت از حرمت انسان و الزام به برخورد با متجاوز به حقوق معنوی اوست (نقیبی، ۱۳۸۶ش، ص. ۱۲۴). باین حال تعریف «ضرر معنوی» ساده نیست؛ زیرا هم «ضرر» و هم «معنویت» مفاهیمی عام و بدیهی‌اند و به راحتی با ضوابط منطقی تحلیل‌پذیر نیستند. در تعریف‌های فقهی از «ضرر مطلق» نیز به برخی اقسام ضررهای معنوی اشاره شده است؛ مثلاً میرزا حسن بجنوردی ورود هرگونه نقص به آبرو، جان و هر بعدی از ابعاد وجودی شخصیت انسان را از مصادیق ضرر می‌داند (بجنوردی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۲۱).

بر همین مبنا، میرفتاح مراغی هرچند بحث مستقلی ذیل قاعده «لاضرر» درباره ضرر معنوی طرح نکرده، اما آسیب‌ها به جسم و آبروی فرد را از انواع ضرر برشمرده و تصریح کرده هر فعلی—اعم از جرح و قطع—که موجب نقص ظاهری در بدن یا منافع و شکل متعارف آن شود، زیان است؛ افزون بر آن، تجاوز به حقوق شرعی ثابت مردم (گاه غیرمالی، مانند حق سبق در اماکن مشترک و مقدسه)، هر عملی که درد غیرطبیعی در بدن ایجاد کند، و تعرض به حیثیت نیز از مصادیق ضرر محسوب می‌شوند (میرفتاح، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۳۰۹).

در حقوق تطبیقی نیز تعاریف همسویی دیده می‌شود: برخی حقوق‌دانان عرب ضرر معنوی را آسیبی به حسن شهرت، اعتبار و معنویات انسان—نظیر توهین، عیب‌جویی و بدگویی—و حتی تألمات ناشی از اقدامات قضایی مانند طرح دعوا می‌دانند (نجم‌جیران، ۱۹۸۱م، ص. ۲۶۳). در حقوق ایران، جعفری لنگرودی صدمه به عرض، شرف و حیثیت متضرر یا نزدیکان او—مانند افشای راز بیمار—را ضرر معنوی می‌شمارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸ش، ص. ۴۱۶).

برخی نویسندگان معاصر نیز بر دشواری تعریف تأکید کرده و مصادیقی چون صدمات به منافع عاطفی و غیرمالی — از احساس درد جسمی و رنج‌های روحی تا از بین رفتن آبرو، حیثیت و آزادی — را ذیل ضرر معنوی آورده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص. ۱۴۴). به تعبیری دیگر، تجاوز به حقوق غیرمالی انسان و لطمه به احساسات دوستی، خانوادگی و مذهبی و نیز درد و رنج ناشی از حوادث می‌تواند مجوز مطالبه خسارت معنوی باشد (صفایی، ۱۳۵۵ش، ص. ۲۴۰).

در جمع‌بندی مفهومی، ضرر معنوی زبانی است که به مال شخص وارد نمی‌شود، بلکه در مقابل ضرر مادی قرار دارد و به مصالح غیرمالی او اصابت می‌کند (سنهوری، بی‌تا، ج ۱، ص. ۸۶۴). به بیان گسترده‌تر، هر آسیبی که به حواس ظاهری، احساس و عاطفه، نفس، موقعیت خانوادگی یا شغلی و منزلت اجتماعی انسان وارد آید و موجب تأثر درونی یا کاستن از اعتبار و ارزش او شود، ضرر معنوی است (العوجی، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص. ۱۶۸). در همین راستا، فهرست شدن مصادیقی چون شهرت، حیثیت، آزادی، معتقدات مذهبی، حیات، زیبایی، احساسات و علائق خانوادگی، تصویر روشن‌تری از شمول این عنوان ارائه می‌کند (آشوری، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص. ۲۰۸).

مصادیق و انواع خسارت معنوی

خسارت معنوی می‌تواند در صورت‌های گوناگون بروز کند: گاهی به شکل لطمه به حقوق مربوط به شخصیت — همچون زبانی که بر شرف، اعتبار و آبروی شخص وارد می‌آید، نظیر قذف، سب، تهمت و افترا — گاهی به صورت درد جسمی ناشی از حادثه، یا اختلالات روانی برآمده از رخدادی که چهره زیان‌دیده را دگرگون کرده است، و گاهی نیز در هیأت جریحه‌دار شدن عواطف؛ مانند غم و اندوهی که به فرد داغ‌دیده از تصادف تحمیل می‌شود. بر این بنیاد، خسارت معنوی را می‌توان در دو دسته کلی صورت‌بندی کرد.

نخست، زیان‌های وارد به حیثیت و شهرت — یعنی آنچه در زبان عرف، سرمایه یا دارایی معنوی شخص به شمار می‌آید — و دوم، لطمه به عواطف و ایجاد تألم و تأثر روحی که در پی از دست دادن عزیزان و مشاهده درد و رنج آنان پدید می‌آید (کاتوزیان، همان). این دو گانه تحلیلی، میدان مصادیق را روشن می‌کند بی‌آن که دامنه خسارت معنوی را به فهرستی محدود فرو بکاهد.

در همین راستا، عاطف النقیب توضیح می‌دهد هرگاه به موقعیت اجتماعی انسان — در نتیجه تجاوز به کرامت، شرف و حیثیت او — ضرر وارد شود، خسارت معنوی تحقق یافته است؛ با این توضیح که چنین لطمه‌ای غالباً زمینه‌ساز زیان‌های مادی نیز می‌شود. به بیان دیگر، هتک حیثیت و شرف می‌تواند اعتبار تجاری و کسبی زیان‌دیده را تضعیف کند و به این وسیله موقعیت اقتصادی او را تحت تأثیر قرار دهد (عاطف النقیب، ۱۴۱۲ق، ص. ۲۶۸).

سنه‌وری نیز طیفی از مصادیق را برمی‌شمارد: آسیب‌هایی که هزینه‌ی معالجه یا کاهش توانایی کار را به همراه دارند، می‌توانند هم مادی و هم معنوی تلقی شوند؛ همچنین افعالی که مستقیماً بر احساسات و عواطف شخص اثر می‌گذارند—مانند جدا کردن طفل از مادر، تعدی به اولاد، پدر، مادر و همسر—از مصادیق خسارت معنوی‌اند. وجه دیگری از ضرر معنوی جایی است که به اعتقادات دینی، احساسات مذهبی و اخلاقی یا حق ثابت و مسلم شخص لطمه وارد می‌شود؛ مانند ورود عمدی به ملک دیگری برای معارضه با مالک. در اینجا حتی اگر زیان مادی متوجه مالک نشده باشد، صرف تجاوز به حق ثابت او (دخول در ملک) می‌تواند مبنای مطالبه ضرر و زیان معنوی باشد (سنه‌وری، همان).

از منظر اجتماعات انسانی، عرف و عادت—که در جوامع ابتدایی و میان قبایل، پایه و مایه بسیاری از پدیده‌های اجتماعی و خود به تنهایی مصدر دین، اخلاق، مبادلات و معاملات به شمار می‌رفت—در همه نظام‌های حقوقی کم‌وبیش اهمیت داشته است (فیض، ۱۳۸۴ش، ص. ۱۳۴). در فقه نیز تعیین مصادیق ضرر، و به تبع آن ضرر معنوی، به نظر عرف جامعه و اگذار شده است (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص. ۵۷). بنابراین، تعاریف ارائه شده از خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران بر مدار عرف سامان می‌یابد و انواع آن محصور و محدود به نمونه‌های مشخص نیست. برای نمونه، تجاوز و تخلف نسبت به حقوق معنوی کودک، منشأ مسئولیت دنیوی و اخروی، اخلاقی، مدنی و کیفری است و قواعد فقهی «لا ضرر»، «لا حرج» و «بنای عقلا» مبنای نظریه جبران خسارت نسبت به حقوق معنوی کودک را فراهم می‌آورد؛ همچنین می‌توان حق هویت (نام‌گذاری، تابعیت و نسب)، حق آموزش و پرورش، آزادی و تمامیت جسم و روان را از حقوق معنوی کودک برشمرد (نقیبی، ۱۳۸۲ش، ص. ۵۸-۷۷).

با استقرا در تعالیم تربیتی، احکام حقوقی و آموزه‌های اخلاقی، می‌توان مجموعه‌ای گسترده از حقوق معنوی را شناسایی کرد که برای انسان از سوی شارع مقدس تعریف شده‌اند. آنچه اهمیت دارد، عبور از صرف شناسایی اخلاقی این حقوق به مرتبه‌ای است که برای آن‌ها الزامات حقوقی و ضمانت اجرای لازم نیز پدید آید؛ مرتبه‌ای که امکان مطالبه و جبران خسارت معنوی را در عمل فراهم می‌کند.

ضرورت جبران خسارت معنوی در حقوق

وصف تندرستی بدن، شادابی، حیثیت و آبروی شخص، سلامت روح و روان، حرمت و شأن اجتماعی و بسیاری از امور غیرمالی مربوط به شخصیت انسان نه تنها از نظر شرع محترم است، بلکه بر پایه «بنای عقلا» و حکم عقل نیز تجاوز به آن‌ها ممنوع شمرده می‌شود؛ از این رو شخصیت فکری، مذهبی و اجتماعی افراد باید از سوی دیگران محترم بماند و در صورت خدشه، اصل بر لزوم جبران است.

در حقوق ایران، اگرچه اغلب حقوقدانان قائل به جواز جبران خسارت معنوی اند (کاتوزیان، همان، ص ۲۲۷؛ شهیدی، ۱۳۷۱ش، ص ۲۶۰)، گروهی از صاحب نظران به طور جدی با صدق عنوان «ضرر» بر خسارت های معنوی یا با قابلیت و امکان جبران آن مخالفت کرده اند و بر این باورند که طبیعت زیان های معنوی به گونه ای است که به هیچ وجه قابل جبران نیست (عمید زنجانی، ۱۳۸۲ش، ص ۵۹). شماری دیگر نیز از منظر نظری گفته اند رنج و ألم احساس شده یا حیثیت بر بادرفته قابلیت تقویم به پول ندارد و حتی تقویم مالی می تواند نوعی اهانت به شخصیت زیان دیده تلقی شود.

از منظر عملی هم دشواری برآورد خسارت معنوی مطرح بوده است؛ زیرا در عمل، قاضی میزان زیان را گاه بر مبنای تقصیر مرتکب می سنجد، حال آن که مسئولیت مدنی تنها زمانی عادلانه است که صرفاً بر پایه زیان واقعی وارد بر زیان دیده تقویم شود (سنهوری، همان، ص ۸۶۶؛ لورر اساء، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶؛ احمد ادریس، ۱۳۷۲، ص ۳۱۷). باین همه، به مرور زمان تحوّل بنیادین رخ داده و امروز اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان داخلی و خارجی ضرورت جبران هر نوع زیان معنوی را می پذیرند و در رد استدلالات مخالفان می گویند: نخست، پرداخت پول یگانه راه ترمیم نیست و اغلب قانون گذاران طرق جبرانی دیگری را نیز پیش بینی کرده اند؛ دوم، هدف از جبران زیان الزاماً «اعاده به وضع سابق» نیست، بلکه باید راهی برای تسکین آلام و تأمین خرسندی معنوی و ترضیه خاطر زیان دیده یافت (آخوندی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۲۴۲).

در همین راستا کاتوزیان توضیح می دهد: همان گونه که با پول می توان معادل مال تلف شده را در امور مادی یافت، تأمین خرسندی های معنوی نیز مقدور است؛ هر چند این خرسندی ها اندوه را بر نمی دارند، اما به اندازه ای که آلام روحی را تسکین دهند کفایت می کند (کاتوزیان، همان، ص ۱۵۰). به تعبیر دیگری، تخصیص مبلغی برای شخص متحمل درد — مثلاً کسی که چهره زیبایش آسیب دیده — امکان مراجعه به پزشک ماهر و کوشش در رفع نقص و تسکین را فراهم می آورد؛ ترمیم زیان همواره به معنای بازسازی عین منهدم شده نیست، بلکه غالباً ایجاد امکان تحصیل معادل و فراهم آمدن رضایت خاطر است (فقیه نخجیری، ۱۳۵۱ش، ص ۸۶).

از نظر مقررات نیز نظریه جبران خسارت معنوی به طور گسترده تکامل یافته و قواعدی در خصوص آن پیش بینی شده است. به موجب ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۹، «ضرر و زیان معنوی» و قابلیت جبران آن صریحاً مورد توجه قانون گذار قرار گرفت و پس از تصویب «قانون مسئولیت مدنی» دامنه قواعد مربوط توسعه یافت. قانون گذار در مواد ۱، ۲، ۸ و ۱۰ به طور کلی امکان مطالبه زیان معنوی را تأیید کرده است؛ از جمله ماده ۱ مقرر می دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان... یا به هر حق دیگر... لطمه وارد نماید که موجب ضرر و زیان مادی و معنوی شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.» همچنین ماده ۱۰

تصریح می‌کند: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود، می‌تواند از واردکننده، جبران ضرر و زیان مادی و معنوی خود را بخواهد» و بنا به اهمیت زیان و نوع تقصیر، دادگاه می‌تواند علاوه بر خسارت مالی، «رفع زیان از طریق دیگر» مانند الزام به عذرخواهی یا درج حکم در جراید را مقرر سازد.

بعدِ پیشگیرانه نیز بخشی از ضرورت جبران را توجیه می‌کند: متوقف کردن کار یا کنار گذاشتن وسیله زیان‌بار به معنای از میان بردن «منبع ضرر» است و از تحقق زیان‌های آینده جلوگیری می‌کند؛ مانند کارگری که از ابزار خطرناکِ مُحدثِ زیان به ثالث استفاده می‌کند یا صنعتگری که ابزار فرسوده و غیرقابل تعمیر به کار می‌گیرد—در این موارد باید ابزار کنار گذاشته و کار متوقف شود و زیان‌های گذشته نیز جبران گردد. ابقای منبع ضرر، سبب تداوم زیان‌های آتی است؛ امری که در حدیث «لا ضرر» نفی شده است (کاتوزیان، همان، ص ۱۵۲). بنابراین، ریشه‌کنی ضرر ناظر به آینده است و در عین حال، زیان‌های گذشته نیز—هرچند اعاده کامل به وضع پیشین ممکن نیست—تا آنجا که عرف لازم می‌داند باید جبران شود؛ از تعطیل کارخانه غیراستاندارد و توقیف خودروهای دودزا تا جمع‌آوری محصولات زیان‌بار، توقف عمل زیان‌بارِ کارگر، الزام به عذرخواهی یا قلع بنای نامتعارف، و نیز جبران خسارت‌های وارد تا زمان اجرای حکم (ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی).

ضرورت جبران خسارت معنوی در حقوق

شخصیت انسان تنها به دارایی مادی او محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از جنبه‌های معنوی همچون سلامت جسم و روان، حیثیت و آبرو، حرمت و شأن اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. این عناصر به‌ویژه از نظر شرع، عقل و بنای عقلا محترم شناخته شده‌اند و هرگونه تجاوز به آن‌ها محکوم است. بر همین اساس، حمایت از شخصیت فکری، مذهبی و اجتماعی انسان‌ها یک ضرورت حقوقی و اخلاقی است که جبران خسارت‌های معنوی را توجیه می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۷).

در حقوق ایران، بسیاری از حقوقدانان معاصر بر جواز و ضرورت جبران خسارت معنوی تأکید کرده‌اند. آنان بر این باورند که نادیده گرفتن این نوع زیان، با عدالت سازگار نیست. با این حال، اقلیتی از صاحب‌نظران به شدت با این دیدگاه مخالفت کرده و معتقدند خسارت‌های معنوی اساساً قابل جبران نیستند. به باور این گروه، این خسارات به دلیل ماهیت غیرملموس و درونی خود، امکان بازگشت‌پذیری ندارند و نمی‌توان آن‌ها را تحت عنوان «ضرر» در معنای حقوقی پذیرفت (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۵۹).

یکی از مهم‌ترین استدلال‌های مخالفان آن است که رنج روحی، اندوه عاطفی یا حیثیت از دست‌رفته قابل اندازه‌گیری و تقویم به پول نیست. به بیان دیگر، هیچ مبلغی نمی‌تواند واقعاً جایگزین شخصیت معنوی خدشه‌دار شده شود. برخی

حتی بر این باورند که تعیین مبلغی برای چنین خسارتی نوعی توهین به شأن انسانی زیان‌دیده تلقی می‌شود و خود می‌تواند نقض غرض باشد (شهیدی، ۱۳۷۱، ص. ۲۶۰).

از دیدگاه عملی نیز مشکلاتی در تعیین میزان خسارت معنوی وجود دارد. در بسیاری موارد، دادگاه‌ها ناگزیر میزان زیان را بر اساس درجه تقصیر مرتکب مشخص می‌کنند. این در حالی است که مسئولیت مدنی، زمانی عادلانه محسوب می‌شود که صرفاً بر مبنای میزان واقعی زیان وارد شده به فرد زیان‌دیده تعیین گردد، نه شدت تقصیر مرتکب (سنه‌وری، بی‌تا، ج ۱، ص. ۸۶۶؛ لورر اس‌ا، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۶).

با این وجود، تحولات فکری و اجتماعی موجب شد نگاه‌ها نسبت به جبران خسارت معنوی تغییر یابد. در حال حاضر، اکثریت قریب به اتفاق حقوق‌دانان، چه در حقوق داخلی و چه در حقوق تطبیقی، بر ضرورت جبران خسارت معنوی اتفاق نظر دارند. این تغییر نگرش به‌ویژه به دلیل توجه روزافزون به کرامت انسانی و حقوق بنیادین بشر شکل گرفته است (احمد ادريس، ۱۳۷۲، ص. ۳۱۷).

یکی از پاسخ‌های اصلی به استدلال مخالفان آن است که پرداخت پول، یگانه راه جبران خسارت معنوی نیست. بسیاری از قوانین و رویه‌های قضایی، شیوه‌های جایگزینی همچون الزام به عذرخواهی، درج حکم در مطبوعات یا رفع منبع ضرر را نیز به رسمیت شناخته‌اند. این اقدامات، علاوه بر جنبه جبرانی، کارکرد پیشگیرانه نیز دارند (آخوندی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص. ۲۴۲).

همچنین باید توجه داشت که هدف از جبران خسارت معنوی، الزاماً بازگرداندن وضع زیان‌دیده به حالت سابق نیست. از منظر عدالت ترمیمی، مهم‌ترین هدف آن است که زیان‌دیده آرامش یابد و رضایت خاطر او تا حد امکان تأمین شود. حتی اگر امکان اعاده به وضعیت گذشته وجود نداشته باشد، می‌توان با روش‌های مختلف آلام روحی را کاهش داد و تسکین بخشید (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۰).

برای نمونه، اگر فردی در اثر حادثه‌ای دچار نقص جسمانی یا تغییر در ظاهر شود، اختصاص مبلغی به او این امکان را می‌دهد که با مراجعه به پزشک متخصص یا بهره‌گیری از درمان‌های لازم بخشی از آسیب وارده را جبران کند. بدین ترتیب، پول نقش «وسیله» را برای ترمیم و کاهش آثار زیان ایفا می‌کند، هرچند قادر به بازگرداندن شرایط به وضعیت نخستین نیست (فقیه نخجیری، ۱۳۵۱، ص. ۸۶).

نظریه جبران خسارت معنوی امروزه در بسیاری از نظام‌های حقوقی تکامل یافته و مقررات مشخصی برای آن پیش‌بینی شده است. در ایران نیز نخستین بار ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۹ به‌طور صریح ضرر و

زیان معنوی و قابلیت جبران آن را به رسمیت شناخت. این گام، مقدمه‌ای برای گسترش قواعد مربوط به خسارت معنوی در قانون مسئولیت مدنی بود.

در قانون مسئولیت مدنی، مواد ۱، ۲، ۸ و ۱۰ به‌طور کلی امکان مطالبه خسارت معنوی را پیش‌بینی کرده‌اند. به‌عنوان مثال، ماده ۱ تصریح می‌کند: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا هر حق دیگر لطمه وارد نماید که موجب ضرر و زیان مادی و معنوی شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» این ماده نقطه عطفی در پذیرش جبران خسارت معنوی در حقوق ایران به شمار می‌رود.

ماده ۱۰ همان قانون نیز مقرر می‌دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده، جبران ضرر و زیان مادی و معنوی خود را بخواهد.» حتی در ادامه آمده است که دادگاه می‌تواند علاوه بر حکم به پرداخت خسارت مالی، به رفع زیان از طریق دیگر مانند الزام به عذرخواهی یا درج حکم در جراید نیز دستور دهد. این مقرر اهمیت نقش جبران غیرمالی را برجسته می‌سازد.

بعد پیشگیرانه جبران خسارت معنوی نیز شایان توجه است. کنار گذاشتن منبع ضرر، مانند تعطیلی کارخانه غیراستاندارد یا توقیف خودروهای دودزا، نه تنها مانع از وقوع خسارات آینده می‌شود بلکه با حدیث «لا ضرر» نیز هم‌خوانی دارد. با این حال، خسارت‌هایی که در گذشته وارد شده‌اند نیز باید جبران شوند؛ هرچند اعاده کامل ممکن نیست، اما عرف اجتماعی راهکارهایی برای جبران نسبی و تأمین رضایت خاطر زیان‌دیده ارائه می‌دهد (کاتوزیان، همان، ص. ۱۵۲؛ ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی).

شیوه‌های جبران خسارت معنوی

در گام نخست باید تعیین شود چه کسی «خواهان» جبران خسارت معنوی است؛ زیرا در برخی موارد، دایره افرادی که از فعل زیان‌بار متأثر می‌شوند بسیار گسترده است و اگر همگان بتوانند طرح دعوا کنند، رسیدگی قضایی می‌تواند بی‌نهایت طولانی شود. در حقوق ایران، از قواعد و اصول می‌توان استنباط کرد که وقتی زیان معنوی مستقیماً به شخص مخاطب رفتار زیان‌بار وارد شده — مثلاً در توهین کارگر به شخص ثالث در حین انجام وظیفه — صرفاً همان مخاطب توهین ذی‌نفع اقامه دعواست و بستگان او که غیرمستقیم متأثر شده‌اند، معمولاً حق مطالبه مستقل ندارند (استنباط از اصول عام).

با پذیرفتن اصل لزوم جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران — به‌ویژه با اتکاء به اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی — مسئله اصلی «چگونگی» جبران است: باید راهکاری برگزید که در عرف،

عنوان «جبران خسارت» بر آن صدق کند و به ترمیم آنچه از شخصیت معنوی زیان دیده کاسته شده، نزدیک‌ترین اثر عملی را داشته باشد (اصل ۱۷۱؛ مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی).

شیوه‌های جبران در مسئولیت مدنی در واقع طرق اجرای تعهد مسئول (فاعل زیان) هستند و تابع اهداف نهاد مسئولیت مدنی‌اند. عمده اهداف به‌نحوی که در اغلب نظام‌های حقوقی پذیرفته شده عبارت‌اند از: جلب رضایت زیان‌دیده، جبران خسارت و تا حد امکان اعاده وضع پیشین، و نیز پیشگیری از ارتکاب افعال مخل نظم اجتماعی از سوی دیگران (تحلیل دکترین کلاسیک مسئولیت مدنی).

در میان این اهداف، «جبران خسارت» محور تعیین آثار مسئولیت مدنی است: هرگاه جبران و دریافت غرامت تحقق یابد، اهداف دیگر نیز به‌نحو نسبی تأمین می‌شوند؛ الزام به جبران، اثری تأدیبی بر خطاکار دارد، برای زیان‌دیده کارکرد التیام‌بخش دارد، و می‌تواند عاملی بازدارنده برای مرتکب و سایرین باشد (استنباط دکترین).

اهمیت بحث جبران به‌ویژه در جهان متکثر و پرخطر امروز با عوارض زندگی ماشینی و صنعتی —دوچندان شده است؛ از این رو تمرکز ویژه بر این بخش از مسئولیت مدنی کاملاً موجه است. اگر بپذیریم مهم‌ترین هدف، جبران زیان و نزدیک کردن وضعیت زیان‌دیده به حالت سابق است، بدیهی است این هدف زمانی محقق می‌شود که فاعل زیان تعهد خویش را واقعاً اجرا کند (تحلیل دکترین معاصر).

البته ویژگی مسئولیت مدنی آن است که تا جایی که دقیقاً امکان‌پذیر است، تعادل برهم‌خورده را بازسازی کند و زیان‌دیده را در وضعیتی قرار دهد که اگر فعل زیان‌بار رخ نمی‌داد در آن می‌بود؛ ولی اعاده کامل وضع پیشین غالباً ممکن نیست —زمان باز نمی‌گردد— پس باید تا میزان لازم از نظر عرف، زیان جبران شود (خدابخشی، ۱۳۸۸ش، ص. ۱۲۳).

سرانجام، فرض «جبران» همواره بر «عدم جبران» ترجیح دارد و بنابر حکم عقل و سیره عقلا، جواز جبران خسارت‌های معنوی ثابت است. بنابراین، صرفاً از میان بردن منبع ضرر کفایت نمی‌کند؛ علاوه بر اقداماتی چون تعطیلی کارخانه غیراستاندارد، جمع‌آوری وسایل زیان‌بار در کارگاه و الزام به عذرخواهی برای رفع منشأ زیان، باید زیان‌هایی که تا زمان اجرای حکم به زیان‌دیده وارد شده نیز جبران گردد (نمونه‌های عرفی اجرای مواد ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی).

شیوه‌های جبران خسارت معنوی

یکی از پیامدهای مهم اصل لزوم جبران، «تناسب راه‌حل با وضعیت زیان‌دیده» است؛ یعنی شیوه جبران باید با نوع و شدت ضرری که وارد شده هم‌خوان باشد و در عرف هم عنوان «جبران» بر آن صادق آید. از این رو، میان روش

جبران و موضوع زیان باید سنخیت عرفی برقرار شود و طبعاً شیوه مناسب هر خسارت، برحسب متعلق آن متفاوت خواهد بود (قاسم زاده، همان، ص ۱۶۱).

به طور کلی، طرق جبران خسارت معنوی به دو دسته اصلی تقسیم می شود: مالی و غیرمالی. در جبران مالی، معمول ترین سازوکار، پرداخت مبلغی پول است که گاه کارکرد اصلی اش «ترضیه و تسکین خاطر» زیان دیده است. در جبران های غیرمالی، شیوه های متنوعی به کار می رود: از عذرخواهی علنی مباشر زیان (مثلاً عذرخواهی معلم در کلاس) تا انتشار حکم محکومیت، الزام به عذرخواهی در جراید، توقف عمل زیان بار و برچیدن منبع زیان (مدنی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۸۱).

قانون مسئولیت مدنی ایران هر دو طیف مالی و غیرمالی را به رسمیت شناخته است. قاعده کلی در ماده ۳ مقرر می کند که «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین» می کند؛ بدین معنا که قاضی می تواند متناسب با وضعیت خاص پرونده، ترکیبی از روش ها را برگزیند تا اثر جبرانی واقعی حاصل شود (ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی).

در همین راستا، ماده ۱۰ ناظر به بخشی از خسارت های معنوی —لطمه به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی— تصریح دارد که زیان دیده می تواند هم خسارت مادی و هم معنوی را بخواهد و «هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید»، دادگاه علاوه بر خسارت مالی، «رفع زیان از طریق دیگر» مانند الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید را مقرر کند. این مقرر، نقش مکمل جبران غیرپولی را برجسته می کند (ماده ۱۰ همان قانون).

هم زمان، قانون گذار برای مهار زیان های آتی نیز ابزار داده است: ماده ۸ مسئولیت کسی را که با «تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع» به حیثیت و موقعیت دیگری زیان می زند، اثبات می کند و به زیان دیده اجازه می دهد «توقف عملیات» زیان بار را بخواهد و در صورت اثبات تقصیر، خسارت را مطالبه کند. بدیهی است توقف عمل زیان بار چهره ای از «جبران عینی» و ناظر به حذف منبع ضرر است و قابل جمع با جبران پولی خواهد بود (ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی).^۱

از نظر کارکردی نیز جمع میان جبران مالی و غیرمالی معمول و معقول است. برای نمونه، اگر کارگری در حین انجام وظیفه به چهره شخص ثالث آسیبی وارد کند که مستلزم درمان پرهزینه و موجب زشتی ظاهر شود، حکم می تواند هم پرداخت هزینه های درمان و خسارت (مالی) و هم اقداماتی مانند عذرخواهی یا انتشار حکم (غیرمالی) را دربرگیرد. منطق اجتماعی این جمع نیز پذیرفتنی است: هرچند لطمه به حیثیت و آلام روحی «مال» محسوب نمی شود، اما الزام مسئول به پرداخت مبلغی می تواند هم تشفی خاطر زیان دیده و هم تنبیه مرتکب را به دنبال داشته باشد (امامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۷۸).

باین حال، در برخی اقسام زیان—نظیر دردهای جسمانی، آلام روحی و ترس—عملاً جبران صرفاً غیر پولی امکان پذیر نیست؛ اگر برای این موارد هیچ جبران مالی هم پیش بینی نشود، زیان بلا جبران می ماند که پذیرفتنی نیست. از این رو، گرچه قانون مسئولیت مدنی در باب «تقویم دقیق» خسارت معنوی به امور مالی تصریح صریحی ندارد، هیچ منع قانونی هم ذکر نکرده و در عوض، بر «لزوم جبران خسارت—اعم از معنوی و مادی» تأکید ورزیده است؛ بنابراین قضات می توانند متناسب با اوضاع و احوال، از ترکیب ابزارهای مالی و غیر مالی برای تحقق واقعی جبران استفاده کنند (مواد ۳ و ۱۰ همان قانون).

شیوه های جبران خسارت معنوی در فقه

در فقه اسلامی اصل وجود خسارت معنوی مفروض و پذیرفته است؛ باین حال باید میان «ضمانت های کیفری/اخروی» برخی افعال—مانند قذف و تهمت—و «جبران خسارت» به معنای خاص حقوق خصوصی تفکیک کرد. مجازات قذف یا حد تهمت، هر چند نشان دهنده اهتمام شرع به صیانت از آبروست، اما عین جبران مدنی زیان محسوب نمی شود و همه شقوق زیان معنوی را پوشش نمی دهد (قذف و تهمت: ضمانت کیفری/اخروی).

دامنه خسارت معنوی منحصر به آن مصادیق دارای حد و مجازات نیست؛ لطمه به موقعیت اجتماعی و حرفه ای، آسیب به باورهای دینی و اخلاقی، صدمه به زیبایی چهره و جمال، و نیز رنج های ناشی از فوت نزدیکان، همگی از مصادیق مهم زیان معنوی اند که باید برای آن ها راهکار جبرانی سنجیده شود (گستره مصادیق در فقه).

هر چند در فقه اسلامی «فهرست از پیش تدوین شده ای» از روش های جبران یافت نمی شود، منطق فقهی اجازه می دهد روش های متداول در حقوق عرفی و موضوعه—اعم از مالی و غیر مالی—با رعایت موازین پذیرفته شوند؛ زیرا روش جبران «طریقی» برای نیل به هدف اصلی (ترمیم زیان) است، نه موضوعیت مستقل. از همین رو قانون گذار ایران نیز تعیین «طریقه و کیفیت جبران» را با توجه به اوضاع و احوال به دادگاه سپرده و دست قاضی را در گزینش روش مناسب باز گذاشته است (ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی؛ قاسم زاده، همان، ص ۱۶۱؛ پروین، ۱۳۸۰ش، ص ۱۸۵).

قاعده عقلایی در فقه این است: هر جا «رد عین» ممکن باشد، جبران عینی مقدم است؛ و اگر رد عین ممکن نباشد، نوبت به «مثل» یا «قیمت» می رسد. در ساحت زیان های معنوی نیز می توان از همین منطق بهره برد: گاه عذرخواهی صریح و علنی بهترین جبران است، و گاه پرداخت مبلغی برای ایجاد رضایت و تسکین خاطر کارآمدتر خواهد بود (پروین، ۱۳۸۰ش، ص ۱۸۵).

سنت و سیره نیز این منطق را تأیید می‌کند: در ماجرای که ترس و اذیت روانی بر زنان و کودکان قبیله بنی‌خزیمه عارض شد، امیرالمؤمنین (ع) برای به‌دست آوردن رضایت آنان مبلغی مال پرداخت؛ این نمونه صریحی از «جبران مالی زیان معنوی» در عمل است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۴۰).

نهاد دیه نیز شاهد دیگری بر قابلیت «تقویم بخشی از زیان‌های معنوی» است: صدمات جسمانی منتهی به قتل، جرح، نقص عضو یا بیماری، افزون بر بُعد مادی، آلام روحی و روانی جدی در پی دارند؛ پیش‌بینی دیه برای این موارد نشان می‌دهد فقه، اصل جبران مالی اثرات معنوی صدمات بدنی را به رسمیت شناخته است. حتی اگر دیه را حکمی خاص بدانیم، می‌توان از «ملاک پرداخت مال برای جبران زیان» به سایر خسارت‌های معنوی وارد بر سلامت روان و شخصیت اجتماعی نیز تعدی کرد، با این توضیح که مقصود «اعاده کامل» نیست، بلکه «تسکین و ترضیه» زیان‌دیده است (تحلیل ملاک دیه).

برآیند فقهی-عقلایی آن است که روش‌های کنونی جبران—از مالی تا غیرمالی—نه تنها با شرع تعارضی ندارند، بلکه در فرض سکوت نصوص، به «سیره و بنای عقلا» مستند می‌شوند. بنابراین، پذیرش غرامت مالی، الزام به عذرخواهی، انتشار حکم یا تدابیر مشابه برای ترمیم خسارت معنوی در فقه اسلامی قابل توجیه و دفاع است؛ هدف، جبران زیان وارد بر زیان‌دیده است و «روش» فرع بر دستیابی به این هدف خواهد بود (سیره و بنای عقلا؛ هماهنگی با احکام شرعی).

نتیجه

«قانون مسئولیت مدنی» بر پایه اصل عدالت بنا شده تا هیچ‌زیانی—تا حد امکان—بلا تدارک نماند. از منظر ساختار حقوقی، نهی از اضرار به غیر و وجوب پرداخت خسارت، احکام تکلیفی‌اند؛ و اشتغال ذمه به خسارت، حکمی وضعی است که با آن حکم تکلیفی پیوند دارد و زمینه تعهد به جبران را فراهم می‌کند. بنابراین، مسئولیت مدنی هنگامی تحقق می‌یابد که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه زند و در نتیجه، به او زیان وارد آید.

در فقه و حقوق اسلام، مسئولیت مدنی ناشی از خسارت معنوی و شیوه‌های جبران آن، با اتکاء به قاعده «لا ضرر»، عرف و بنای عقلا اثبات پذیر است. محدود ساختن قلمرو اجرای «لا ضرر» صرفاً به نفی احکام، از کارکرد اجتماعی آن در تحقق عدالت می‌کاهد؛ زیرا مفاد این قاعده، پیش از آن که حکمی شرعی باشد، حکمی عقلی است که شارع به آن ارشاد کرده و بنای عقلا را امضا نموده است.

بر همین مبنا باید برداشت ما از قاعده «لا ضرر» با برداشت عقلا منطبق باشد. از شأن نزول حدیث «لا ضرر» و دستور رسول اکرم (ص) به «قلع درخت»، می‌توان لزوم «از میان بردن منبع ضرر» را استنباط کرد؛ اقدامی که خود یکی از راه‌های جبران — به‌ویژه در حوزه خسارت‌های معنوی با آثار اجتماعی — به شمار می‌رود.

افزون بر «لا ضرر»، پیش‌بینی «دیه» در صدمات جسمانی منتهی به قتل، جرح، نقص عضو یا بیماری، دلیل روشنی بر امکان جبران خسارت معنوی و قابلیت تقویم بخشی از آن است؛ زیرا آلام روحی و روانی همراه صدمات بدنی، از مصادیق مهم خسارت معنوی‌اند و جبران مادی آنها از طریق دیه نشان می‌دهد که در حقوق اسلام نه تنها معنی برای جبران مادی خسارت معنوی وجود ندارد، بلکه تقویم و ترمیم برخی مصادیق آن به رسمیت شناخته شده است.

در نظام حقوقی ایران نیز خسارت معنوی «قابل جبران» است. ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۹، به‌طور صریح، ضرر و زیان معنوی و قابلیت جبران آن را به رسمیت شناخته و پس از آن، «قانون مسئولیت مدنی» دامنه قواعد مربوط را توسعه داده است؛ چنان‌که مواد ۱، ۲، ۸ و ۱۰ این قانون، امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی را تأیید می‌کنند و «اصل ۱۷۱ قانون اساسی» نیز جواز جبران خسارت معنوی را اثبات می‌نماید.

روش‌های جبران باید متناسب با نوع خسارت معنوی انتخاب شوند و به تناسب متعلق زیان، می‌توان از جبران‌های مالی و غیرمالی بهره گرفت: از پرداخت غرامت تا اقداماتی مانند الزام به عذرخواهی، درج حکم در مطبوعات یا رفع منبع ضرر (توقف عملیات زیان‌بار). در فقه اسلامی، هرچند فهرست مدوئی از شیوه‌های جبران معنوی وجود ندارد، اما روش‌های متداول حقوق عرفی و موضوعه — در حدود موازین قابل پذیرش‌اند؛ زیرا طرق جبران، اموری نسبی و تابع اندیشه‌های حقوقی و اجتماعی هر عصرند و در فرض سکوت شرعی، به «سیره و بنای عقلا» استناد می‌شود.

جمع‌بندی آن‌که پذیرش جبران مالی و نیز گونه‌های گوناگون جبران غیرمالی برای ترمیم خسارت معنوی، در فقه و حقوق اسلامی قابل توجیه و دفاع است. هدف، «جبران زیان وارده بر زیان‌دیده» است و روش، فرع بر وصول به این هدف محسوب می‌شود؛ بدین معنا که هم حذف منبع ضرر (به استناد «لا ضرر») و هم تقویم و ترضیه (به‌ویژه با ملاک دیه)، در کنار سازوکارهای مقرر در حقوق ایران (مواد ۱، ۲، ۸، ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۹ ق.آ.د.ک؛ اصل ۱۷۱ ق.ا.)، منظومه‌ای منسجم برای تضمین بی‌تدارک‌نماندن خسارت معنوی فراهم می‌آورد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم. (بی‌تا).

آخوندی، محمود. (۱۳۷۶). آیین دادرسی کیفری (چاپ دوم). تهران: جهاد دانشگاهی.

آشوری، محمد. (۱۳۷۶). آیین دادرسی کیفری (چاپ دوم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

ادریس، عوض احمد. (1372). دیه (ترجمه علیرضا فیض، چاپ اول). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

امامی، سید حسن. (1378). حقوق مدنی (چاپ بیستم). تهران: کتابفروشی اسلامیة.

بجنوردی، حسن. (1410ق). القواعد الفقهیه (چاپ دوم). قم: انتشارات اسماعیلیان.

پروین، فرهاد. (1380). خسارات معنوی در حقوق ایران. تهران: نشر ققنوس.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (1368). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.

حر عاملی، محمد بن حسن. (1388ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حسینی شیرازی، سید محمد. (1988م). الفقه: القواعد الفقهیه (چاپ دوم). بیروت: دارالعلوم.

حسینی مراغی، میرفتاح. (1417ق). العناوین (چاپ اول). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

حکمت‌نیا، محمود. (1386). مسئولیت مدنی در فقه امامیه (چاپ اول). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

خدابخشی، عبدالله. (1388). بیمه و حقوق مسئولیت مدنی (چاپ اول). تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

زمخشری، محمود بن عمر. (1364ق). الفائق فی غریب الحدیث. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.

ساکت، محمد حسین. (1365). نهاد دادرسی در اسلام. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

سلطانی نژاد، هدایت‌الله. (1380). مسئولیت مدنی خسارت معنوی. تهران: نورالثقلین.

سنهوری، عبدالرازق. (بی تا). الوسیط فی شرح القانون المدنی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

شهیدی، سید جعفر. (1371). تاریخ تحلیلی اسلام (چاپ سیزدهم). تهران: مرکز نشر اسلامی.

شهیدی، مهدی. (1382). حقوق مدنی: آثار قراردادهای و تعهدات. تهران: انتشارات مجد.

صفایی، حسین. (1355). مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی. تهران: مرکز تحقیقات.

عاطف النقیب، محمد. (1412ق). المسئولیه الناشئه عن فعل الشخصی (چاپ سوم). بیروت: انتشارات عویدات.

علامه مجلسی، محمدباقر. (1403ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

عمید زنجانی، عباسعلی. (1382). موجبات ضمان. تهران: نشر میزان.

عوجی، مصطفی. (1995). القانون المدنی (چاپ اول). بیروت: مؤسسه بحسون.

فقیه نخجیری، حسن. (1351). دعوی خصوصی در دادگاه جزا. تهران.

فیض، علیرضا. (1384). عرف عقلا. تهران: برهان و عرفان، نشریه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

قاسم‌زاده، مرتضی. (1388). الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد (چاپ هشتم). تهران: نشر میزان.

کاتوزیان، ناصر. (1386). مسئولیت مدنی: ضمان قهری (چاپ هشتم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

لورر اساء، میشل. (1375). مسئولیت مدنی (ترجمه محمد اشتری). تهران: نشر حقوقدان.

مدنی، سید جلال‌الدین. (1376). حقوق اساسی. تهران: انتشارات سروش.

مکارم شیرازی، ناصر. (1380). القواعد الفقهیه. قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین(ع).

موسوی خمینی، سید روح‌الله. (1415ق). کتاب البیع (چاپ چهارم). قم: مؤسسه نشر اسلامی.

نائینی، میرزا محمد حسین. (1373ق). منیه الطالب فی شرح المکاسب (چاپ اول). بیجا: مکتبه المحمديه.

نجم جیران، یوسف. (1981). القانون و الجرم و النظریه العامه للموجبات (چاپ دوم). بیروت: منشورات عویدات.

نراقی، احمد بن محمد. (1375ش). عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام. قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.

نقیبی، سید ابوالقاسم. (1382). نظریه جبران خسارت به حقوق معنوی کودک. فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع). تهران: ندای صادق.

نقیبی، سید ابوالقاسم. (1386). خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر (چاپ دوم). تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

References

The Holy Qur'an(n.d).

Akhundi, Mahmood. (1997 / 1376 SH). *Criminal Procedure* (2nd ed.). Tehran: Jihād University Press.

Ashouri, Mohammad. (1997 / 1376 SH). *Criminal Procedure* (2nd ed.). Tehran: The Organization for the Study and Compilation of Humanities Books (SAMT).

Idrīs, 'Awadh Aḥmad 1372 / 1993) SH. *Diya* (translated by 'Alī Reẓā Fayḍ, 1st ed.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Imāmī, Sayyid Ḥasan. (1999 / 1378 SH). *Civil Law* (20th ed.). Tehran: Islāmiyeh Bookstore.

Bejnūrdī, Ḥasan. (1410 AH) *Al-Qawā'id al-Fiqhiyyah* (2nd ed.). Qom: Ismā'īliyyān Publishing.

Parvīn, Farḥād. (2001 / 1380 SH). *Moral Damages in Iranian Law*. Tehran: Qoqnūs Publishing.

Ja'farī Langrūdī, Mohammad Ja'far. (1989 / 1368 SH) *Legal Terminology*. Tehran: Ganj-e Dānesh Publishing.

Ḥurr al-Āmilī, Muhammad b. al-Ḥasan. (n.d.). *Wasā'il al-Shī'a ilā Taḥṣīl Masā'il al-Sharī'a* (2nd ed.). Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.

Ḥusaynī Shīrāzī, Sayyid Muḥammad. (1989 / 1988) *Al-Fiqh: Al-Qawā'id al-Fiqhiyyah* (2nd ed.). Beirut: Dār al-'Ulūm.

Ḥusaynī Marāghī, Mīr Fath. (1417 AH) *Al-‘Anwān* (1st ed.). Qom: Islamic Publishing Institute.

Ḥikmat-Nīyā, Mahmood. (2007 / 1386 SH) *Civil Liability in Imāmī Jurisprudence* (1st ed.). Qom: Islamic Sciences and Culture Research Institute.

Khudā-Bakhshī, ‘Abdullāh. (2009 / 1388 SH) *Insurance and Civil Liability Law* (1st ed.). Tehran: Official Newspaper of the Islamic Republic of Iran.

Zamakhsharī, Mahmood b. ‘Umar. (1985 / 1364 AH) *Al-Fā’iq fī Gharīb al-Ḥadīth*. Cairo: Dār Iḥyā’ al-Kutub al-‘Arabī.

Sākīt, Muḥammad Ḥusayn. (1986 / 1365 SH) *Judicial Institutions in Islam*. Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing.

Sultānī-Najād, Hidāyat-Allah. (2001 / 1380 SH) *Civil Liability for Moral Damages*. Tehran: Nūr al-Thaqalayn Publishing.

Sanūrī, ‘Abd al-Rāzīq. (n.d.) *Al-Wasīṭ fī Sharḥ al-Qānūn al-Madani*. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.

Shahīdī, Sayyid Ja‘far. (1992 / 1371 SH) *Analytical History of Islam* (17th ed.). Tehran: Islamic Publishing Center.

Shahīdī, Mahdī. (2003 / 1382 SH) *Civil Law: Effects of Contracts and Obligations*. Tehran: Majd Publishing.

Ṣafā’ī, Ḥusayn. (1976 / 1355 SH) *New Concepts and Standards in Civil Law*. Tehran: Research Center.

‘Ātif al-Naqīb, Muḥammad. (1412 AH) *Al-Mas’ūliyah al-Nāshi’ah ‘An Fa’l al-Shakhṣī* (3rd ed.). Beirut: ‘Awdāt Publishing.

‘Allāmah Majlisī, Muḥammad Bāqir. (1403 AH) *Biḥār al-Anwār*. Beirut: Al-Wafā Institute.

‘Amīd Zanjānī, ‘Abbās-‘Alī. (2003 / 1382 SH) *Causes of Liability*. Tehran: Mīzān Publishing.

‘Awjī, Muṣṭafā. (1995) *Al-Qānūn al-Madani* (1st ed.). Beirut: Bāḥsūn Publishing.

Faqīh Nahjīrī, Ḥasan. (1972 / 1351 SH) *Private Claims in Criminal Courts*. Tehran: n.p.

Fayd, ‘Alī-Rezā. (2005 / 1384 SH) *The Customs of the People*. Tehran: Burhān wa ‘Irfān Publishing, Islamic Azad University of Science and Research.

Qāsim-Zādah, Morteżā. (2009 / 1388 SH) *Liabilities and Civil Responsibility without Contracts* (8th ed.). Tehran: Mīzān Publishing.

Kātūzīān, Nāṣir. (2007 / 1386 SH) *Civil Liability: Non-Contractual Liability* (8th ed.). Tehran: University of Tehran Press.

Lorassa, Michel. (1996 / 1375 SH) *Civil Liability* (translated by Mohammad Shaterī). Tehran: Huqūqdān Publishing.

Madānī, Sayyid Jalāl al-Dīn. (1997 / 1376 SH) *Constitutional Law*. Tehran: Soroush Publishing.

Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (2001 / 1380 SH) *Al-Qawā'id al-Fiqhiyyah*. Qom: Madrasah al-Imām Amīr al-Mu'minīn (a).

Mūsawī Khomeinī, Sayyid Ruhollah. (1415 AH) *Kitāb al-Bay* (4th ed.). Qom: Islamic Publishing Institute.

Nā'inī, Mīrzā Muḥammad Ḥusayn. (1994 / 1373 SH) *Munyat al-Ṭālib fī Sharḥ al-Makāsib* (1st ed.). Bijā: Maktabah al-Muḥammadiyah.

Najm Jīrān, Yūsuf. (1981) *Al-Qānūn wa al-Jurm wa al-Nazariyyah al-Āmah li-l-Mawjibāt* (2nd ed.). Beirut: 'Awdāt Publishing.

Narāqī, Aḥmad b. Muḥammad. (1996 / 1375 SH) *'Awā'id al-Ayyām fī Bayān Qawā'id al-Aḥkām*. Qom: Center for Islamic Media Publishing.

Naqībī, Sayyid Abū al-Qāsim. (2003 / 1382 SH). "The Theory of Compensation for Moral Damages of Children". *Islamic Fiqh and Law Quarterly*, Imam Sadiq University. Tehran: Nādaye Ṣādiq Publishing.

Naqībī, Sayyid Abū al-Qāsim. (2007 / 1386 SH) *Moral Damages in Islamic Law, Iranian Law, and Contemporary Legal Systems* (2nd ed.). Tehran: Amirkabir Publishing Institute.